

## مسائل خرید و فروش

**(مسئله ۱)** در خرید و فروش خواندن صیغه عربی شرط نیست و فروشنده به قصد اینکه مال خود را در مقابل مال دیگری از آن او کند با هر واژه‌ای بگوید: «این مال را در برابر فلان مبلغ به تو فروختم» و خریدار هم بگوید: «قبول کردم» معامله درست است، بلکه اگر بدون همین گفتار هم فروشنده مال خود را در برابر مبلغی به دیگری بدهد تا ملک او باشد و او هم قبول کند، معامله انجام شده و صحیح است.

**(مسئله ۲)** یاد گرفتن مسائل داد و ستد و معاملات به اندازه نیاز لازم است.

**(مسئله ۳)** اگر انسان نداند معامله‌ای که کرده است صحیح است یا باطل، نمی‌تواند در مالی که گرفته تصرف کند، ولی چنانچه هنگام معامله احکام آن را می‌دانسته و پس از معامله شک کرده باشد که صحیح انجام شده یا نه، تصرف او اشکال ندارد و معامله صحیح است.

**(مسئله ۴)** مستحب است فروشنده در بهای کالای بین مشتریها تفاوت نگذارد مگر بعللی مثل احسان بخیرداری مثلاً اهل علم باشد و در تعیین قیمت سختگیری نکند و اگر خریدار پشیمان شود و تقاضی به هم زدن معامله را نماید بپذیرد.

**(مسئله ۵)** قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.

## معاملات باطل

در چند مورد معامله باطل است:

**مورد اول-** خرید و فروش عین جنسی که از آن منفعت حرام برده می‌شود، مثل مشروبات الکلی، ولی خرید و فروش چیزهایی، همچون خون انسان برای تزریق، که منفعت حلال دارد جایز است.

**(مسئله ۶)** خرید و فروش چیزی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است و نیز دارویی که عین آن نجس نیست و نجس شده و درمان منحصر به آن است اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط فروشنده باید نجس بودن آن را به خریدار یادآور شود.

**(مسئله ۷)** اگر چیز پاکی مانند: روغن، نفت و بنزین که آب کشیدن آن ممکن نیست نجس شود، چنانچه مثلاً روغن نجس را برای خوردن بفروشند معامله باطل و عمل حرام است و اگر برای کاری بخواهند که پاک بودن شرط آن نیست، مانند اینکه بنزین یا نفت را برای سوخت ماشین یا بخاری بخواهند فروش آن اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط به خریدار اطلاع دهند.

**(مسئله ۸)** خرید و فروش روغن و داروهای روان و عطرهایی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود اگر نجس بودن آن قطعی نباشد اشکال ندارد، ولی چنانچه در کشورهای غیراسلامی از دست کافر بگیرند و از اجزای حیوانی باشد که خون جهنده دارد نجس است و معامله آن باطل می‌باشد، بلکه اگر در کشور اسلامی هم از دست کافر بگیرند معامله آن باطل است، مگر آنکه بدانند از مسلمان خریده است.

**(مسئله ۹)** خرید و فروش گوشت، پوست، پیه و چرمی که در دست مسلمان است اشکال ندارد، ولی اگر انسان بداند که از کافر گرفته و تحقیق نکرده از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، خریدن آن حرام و معامله باطل است.

**(مسئله ۱۰)** اگر گوشت یا پوست و یا سایر اجزای مردار بجز استفاده در مواردی که پاک بودن در آن شرط است منافع قابل توجه دیگری داشته باشد، مانند اینکه برای خوراک دام و طیور و یا تبدیل آنها به کود و مانند آن توسط دستگاههای جدید مورد بهره‌برداری قرار گیرد، ظاهراً خرید و فروش آنها به همین قصد اشکال ندارد.

**(مسئله ۱۱)** خرید و فروش خون برای انتفاع حلال جایز است، بنابراین خرید و فروش خون برای تزریق به بیمار اشکالی ندارد، مگر اینکه گرفتن خون برای خون دهنده ضرر داشته باشد، خصوصاً اگر ضرر آن زیاد باشد.

**(مسئله ۱۲)** وزن یا مقدار خونی که مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد باید معلوم باشد، ولی در صورتی که وزن یا مقدار آن را ندانند می‌توانند مصالحه نمایند.

**(مسئله ۱۳)** خرید و فروش هر چیز مست کننده روان حرام و باطل است.

**(مسئله ۱۴)** انسان می‌تواند بعضی از اعضای خود را، مانند کلیه، برای پیوند به دیگری بفروشد، به شرط اینکه برای خودش ضرر قابل توجهی نداشته باشد.

مورد دوم - خرید و فروش مالی که از راه نامشروع به دست آمده است.

**(مسئله ۱۵)** خرید و فروش مالی که از راه نامشروع به دست آمده، مانند مال غصبی یا مالی که از راه دزدی یا قمار و یا به وسیله معامله باطلی به دست آمده، حرام و

باطل است و فروشنده باید پولی را که گرفته پس بدهد.

**(مسئله ۱۶)** اگر خریدار از اول قصدش این باشد که بهای جنس را ندهد یا از پول حرام پرداخت کند، معامله اشکال دارد و تصرف در آن نیز محل اشکال است. و اگر از اول قصدش این نباشد معامله صحیح است، ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بپردازد.

**(مسئله ۱۷)** فروشنده مال غصبی باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند، ولی اگر مالک معامله را امضا کند صحیح می شود.

**(مسئله ۱۸)** اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد و پس از فروش صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد معامله صحیح است و احتیاط واجب آن است که مشتری و صاحب مال در منفعتی که برای جنس و عوض آن در فاصله عقد و اجازه پیدا شده با یکدیگر مصالحه نمایند.

**(مسئله ۱۹)** اگر کسی مالی را غصب کند و به قصد اینکه پول آن مال خودش باشد آن را بفروشد، چنانچه صاحب مال معامله را رد کند معامله باطل است و اگر برای کسی هم که مال را غصب کرده اجازه نماید صحت معامله محل اشکال است؛ چون ارکان معامله ثابت نیست و آن چه را که قصد کرده برای خودش (غاصب) بوده، ولی اگر برای صاحب مال اجازه نماید معامله صحیح است.

**مورد سوم - خرید و فروش چیزهایی که مالیت نداشته و ارزش ندارند و یا منافع معمولی آنها فقط کار حرام باشد.**

**(مسئله ۲۰)** خرید و فروش چیزهای بی ارزش، مانند یک پر کاه و نیز چیزهایی که از نظر شرعی خرید و فروش آن ممنوع شده، مانند ابزار لهو و لعب در صورتی که از وسائل اختصاصی حرام باشد، حرام و باطل است.

**(مسئله ۲۱)** خرید و فروش چیزهایی مانند: تلویزیون، ویدئو و گیرنده ماهواره که زمینه کاربرد حرام نیز دارند، چنانچه به انگیزه استفاده حرام باشد جایز نیست، ولی اگر به قصد استفاده حلال باشد اشکال ندارد.

**(مسئله ۲۲)** اگر انگور را به قصد درست کردن شراب بفروشند معامله حرام است، ولی اگر آن را برای مقاصد دیگری بجز حرام بفروشد، هر چند به کسی که می داند از آن استفاده حرام می کند، ظاهراً اشکال ندارد، هر چند خوب است بنا بر احتیاط این معامله با کسی که از آن استفاده حرام می کند خودداری شود.

**(مسئله ۲۳)** ساختن مجسمه انسان و حیوانات در صورتی که برای پرستش یا در معرض آن باشد جایز نیست، بلکه بنا بر احتیاط از ساختن آن در هر حال اجتناب شود. ولی خرید و فروش مجسمه و نیز کالایی که روی آن چهره انسان یا حیوان کنده کاری

شده اشکال ندارد.

مورد چهارم - خرید و فروشی که آمیخته به ربا باشد.

**(مسأله ۲۴)** «معامله ربوی» آن است که کالایی را در برابر مقداری اضافه از همان کالا، یا همان مقدار از آن کالا و پول اضافه و یا همان مقدار از آن کالا و انجام یک کار اضافی و یا قرار مدت برای یک طرف بفروشند، مثلاً یک تن گندم بفروشد در مقابل یک تن گندم و پنج من دیگر، یا یک تن گندم بفروشد به یک تن گندم و هزار تومان، یا یک تن گندم بفروشد به یک تن گندم و انجام کاری برای فروشنده و یا یک تن گندم نقد بفروشد به یک تن گندم که شش ماه دیگر تحویل داده شود، که همه این موارد معامله ربوی بوده و باطل می‌باشد.

**(مسأله ۲۵)** اگر یکی از دو کالای همجنس، سالم و دیگری معیوب یا جنس یکی خوب و دیگری بد باشد یا با یکدیگر اختلاف قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است.

**(مسأله ۲۶)** در جایی که می‌خواهند دو کالای همجنس را که با هم تفاوت قیمت دارند معامله کنند، می‌توانند چیزی را ضمیمه کنند به شکلی که از معامله «مثل به مثل همراه با زیاده» خارج گردد، مثلاً اگر یک خروار گندم خوب، ارزش دو خروار گندم بد را دارد و بخواهند یک خروار خوب را به دو خروار بد بفروشند، می‌توانند یک خروار گندم خوب را با یک جفت کفش به دو خروار گندم بد بفروشند و بهتر است یک خروار گندم خوب را به پول بفروشند و بعد با آن پول دو خروار گندم بد را بخرند.

**(مسأله ۲۷)** اگر چیزی را که مانند پارچه متر و ذرع می‌کنند یا مثل گردو می‌شمارند معامله کنند و زیادی بگیرند، مثلاً ده عدد گردو بدهند و یازده عدد بگیرند، اشکال ندارد و اگر چیزی در بعضی شهرها با شماره معامله می‌شود و در بعضی شهرها با وزن یا پیمانه، ملاک همان شهری است که معامله در آن واقع می‌شود، مگر اینکه جنس را در بیشتر شهرها با وزن یا پیمانه بفروشند، که در این صورت بنا بر احتیاط واجب در هیچ شهری نباید آن را به زیاده بفروشند.

**(مسأله ۲۸)** اگر چیزی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک جنس نباشد، زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر سه کیلو برنج را با پنج کیلو گندم معامله کند صحیح است، ولی اگر جنسی را که می‌فروشد و عوضی که می‌گیرد از یک اصل به دست آمده باشند، باید در معامله زیادی نگیرد، مثلاً اگر سه کیلو ماست بفروشد تا پنج کیلو شیر بگیرد ربا و حرام است. و احتیاط واجب آن است که در معامله میوه رسیده با میوه نارس نیز زیادی نگیرند.

**(مسأله ۲۹)** «جو» و «گندم» در ربا یک جنس حساب می‌شوند، پس اگر سه کیلو

گندم بدهد تا چهار کیلو جو بگیرد ربا و حرام است، همچنین اگر مثلاً ده کیلو جو بخرد که سر خرمن ده کیلو گندم بدهد، چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می‌دهد مثل آن است که زیادی گرفته باشد و حرام است.

**(مسئله ۳۰)** اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد اشکال ندارد.

**(مسئله ۳۱)** «پدر و فرزند» و نیز «زن دائمی و شوهر» می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

**(مسئله ۳۲)** خرید و فروش پولهای غیر همجنس نظیر معامله «ریال» در مقابل «دلار» یا «پوند» و یا غیر آن اگر با اضافه باشد اشکال ندارد، همچنین خرید و فروش پول همجنس با اضافه اگر به قصد فرار از ربای قرضی نباشد اشکال ندارد.

مورد پنجم - خرید و فروشی که آمیخته با غش باشد. و «غش» آمیختن کالای نامرغوب با کالای مرغوب است به گونه‌ای که قابل تشخیص نباشد، مانند روغنی که با پیه مخلوط کرده باشند. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: «هر کس با برادر مسلمان خود غش کند خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش وا می‌گذارد»<sup>۱</sup>.

**(مسئله ۳۳)** اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید، باید تمام خصوصیات معامله را که به واسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد می‌شود بیان نماید، اگر چه به همان قیمت یا کمتر از آن بفروشد، به عنوان مثال باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه.

**(مسئله ۳۴)** اگر کالای مرغوب را آمیخته با کالای نامرغوب بفروشد، چنانچه هنگام معامله آن را مشخص کند، مثلاً در جایی که روغن را همراه با پیه می‌فروشد بگوید این روغن را می‌فروشم، خریدار می‌تواند معامله را بهم بزند، ولی اگر آن را به طور کلی بفروشد و معین نکند، مثلاً روغن کلی بفروشد، ولی روغن همراه با پیه تحویل دهد، خریدار می‌تواند آن را پس دهد و روغن خالص مطالبه نماید.

#### معاملات مکروه

**(مسئله ۳۵)** انجام بعضی از معاملات مکروه است، از جمله:

اول - اینکه کسی ملک خود را بفروشد، ولی اگر با پول آن ملک دیگری بخرد مکروه نیست. دوم - قصابی سوم - کفن فروشی چهارم - معامله با مردمان پست پنجم - معامله بین اذان صبح و طلوع آفتاب ششم - اینکه کار خود را تنها خرید و فروش گندم یا جو یا مانند اینها قرار دهد. هفتم - اینکه برای خریدن جنسی که دیگری می‌خواهد بخرد داخل

۱. برگرفته از وسائل الشیعه، کتاب التجاره، باب ۸۶ از ابواب «ما یکتسب به»، حدیث ۱۱.

### شرایط فروشنده و خریدار

برای فروشنده و خریدار هفت شرط وجود دارد:

اول و دوم - آنکه عاقل و بالغ باشند.

**(مسئله ۳۶)** معامله با کودکان نابالغ باطل است، گرچه پدر یا جد آنها اجازه داده باشند، ولی معامله با بچه‌ای که خوب و بد را تشخیص می‌دهد در چیزهای کم قیمتی که معمولاً معامله آن برای بچه‌ها متعارف است مانعی ندارد، به شرط آنکه اطمینان پیدا شود پول یا جنس را ولی آنها در اختیارشان گذاشته است.

**(مسئله ۳۷)** اگر کودک وسیله‌ای باشد که پول یا جنس را به خریدار یا فروشنده برساند و در واقع دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده باشند، معامله صحیح است، ولی باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که بچه جنس و پول را به صاحبان آنها می‌رساند.

**(مسئله ۳۸)** در جایی که معامله با بچه صحیح نیست، اگر از بچه چیزی بخرد یا چیزی به او بفروشد، باید جنس یا پولی را که از او گرفته به صاحبش برگرداند یا از او رضایت بخواهد و اگر آن را نمی‌شناسد و امکان شناسایی هم ندارد، باید با اجازه حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه بدهد، ولی اگر چیزی را که گرفته مال خود بچه باشد باید به ولی او برساند و اگر او را پیدا نکرد به حاکم شرع بدهد.

**(مسئله ۳۹)** در موردی که معامله با بچه صحیح نیست، اگر جنس یا پولی که به بچه داده شده از بین برود، نمی‌توان از بچه یا ولی او مطالبه کرد.

سوم - آنکه خریدار یا فروشنده سفیه نباشد و «سفیه» کسی است که معمولاً دارایی خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند و کارهای او در نظر عرف عاقلانه نباشد.

**(مسئله ۴۰)** اگر فروشنده یا خریدار سفیه باشد، در صورتی که ولی او معامله را اجازه نماید صحیح می‌شود.

**چهارم - حاکم شرع، خریدار یا فروشنده و یا هر دو را از تصرف در اموالشان منع نکرده باشد.**

**پنجم -** انگیزه جدی آنها خرید و فروش باشد، بنابراین اگر به شوخی بگوید کالای خود را فروخته معامله باطل است.

**ششم -** کسی آنان را در معامله مجبور نکرده باشد.

**(مسئله ۴۱)** اگر خریدار یا فروشنده را به معامله مجبور کنند، چنانچه بعد از معامله راضی شود و بگوید راضی هستم معامله صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که دوباره صیغه معامله را بخوانند.

هفتم- هر یک از خریدار و فروشنده، صاحب کالا و پول باشند، یا همانند «پدر یا جد پدری شخص نابالغ» و «وکیل در معاملات» اختیار مال در دست آنان باشد.

**(مسئله ۴۲)** اگر انسان مال کسی را بدون اجازه او بفروشد، چنانچه صاحب مال به فروش آن راضی نشود و رد کند معامله باطل است.

**(مسئله ۴۳)** پدر و جد پدری کودک در صورتی می‌توانند مال او را بفروشند که برایش مفسده‌ای نداشته باشد، بلکه بنابر احتیاط واجب تا مصلحت نباشد آن را نفروشند، ولی وصی پدر و وصی جد پدری و حاکم شرع تنها در صورتی می‌توانند مال کودک را بفروشند که مصلحت او در آن باشد، همچنین است در جمیع این احکام، حکم دیوانه‌ای که از اول دیوانه بوده است، ولی اگر پس از بلوغ، دیوانه شده بنابر احتیاط واجب پدر یا جد پدری با نظر حاکم شرع در مال او تصرف کنند.

**(مسئله ۴۴)** اختیار مال کسی که غایب باشد و به او دسترسی نیست با حاکم شرع جامع شرایط است تا مطابق مصلحت در آن تصرف نماید.

### **شرایط کالا و عوض آن**

**(مسئله ۴۵)** هر یک از کالا و پول یا جنسی که در برابر آن داده می‌شود باید پنج شرط داشته باشد:

۱- مقدار آن معلوم باشد.

۲- توان تحویل آن را داشته باشند، بنابراین فروختن اتومبیلی که به سرقت رفته و هیچ کدام دسترسی به آن ندارند صحیح نیست.

۳- ویژگیها و نشانه‌هایی که در آن کالا یا عوض است و به واسطه آن میل مردم به معامله فرق می‌کند تعیین شود.

۴- کسی در کالای مورد معامله و یا در عوض آن حقی نداشته باشد، بنابراین مالی را که انسان پیش کسی گرو گذاشته نمی‌تواند بدون اجازه او بفروشد، ولی اگر بعد از فروش آن صاحب حق اجازه دهد معامله صحیح است.

۵- بنابر احتیاط واجب عین کالا را بفروشد نه منفعت آن را، پس اگر منفعت یک سال خانه را بفروشد معامله صحیح نیست، ولی اگر به عنوان مثال، خریدار به جای پول کالا، منفعت یک سال ملک خود را بدهد اشکال ندارد.

**(مسئله ۴۶)** اگر یکی از شرطهایی که گفته شد در معامله نباشد معامله باطل است، مگر اینکه مال متعلق حق دیگری باشد و صاحب حق بعد از معامله اجازه دهد که در این صورت صحیح می‌شود و اگر خریدار و فروشنده با فرض باطل بودن معامله هم راضی به تصرف یکدیگر باشند، تصرف آنان اشکال ندارد.

**(مسئله ۴۷)** مقدار کالا با وزن یا پیمانانه یا شمارش و یا دیدن معلوم می‌شود

و کالایی را که در شهری با وزن یا پیمانۀ معامله می‌کنند، در آن شهر باید با وزن یا پیمانۀ خریداری شود و اگر کالایی در شهری با وزن کردن و در شهر دیگر با شمارش یا دیدن معلوم می‌شود، می‌توان آن را در آن شهر با وزن و در شهر دیگر با شمارش یا دیدن معامله کرد.

**(مسئله ۴۸)** خرید و فروش ملکی که آن را به دیگری اجاره داده‌اند اشکال ندارد، ولی استفاده آن ملک در مدت اجاره از آن مستأجر است. و اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده‌اند یا به گمان اینکه مدت آن کم است ملک را خریده باشد، پس از اطلاع می‌تواند معامله را به هم بزند.

**(مسئله ۴۹)** هر گاه خریدار کالا را برای دیدن یا تصمیم گرفتن از فروشنده بگیرد و مدتی نزد او بماند و از بین برود، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را به صاحبش بپردازد.

### **خرید و فروش چیزهای وقفی**

**(مسئله ۵۰)** خرید و فروش چیزی که وقف شده باطل است و اگر به گونه‌ای خراب و فرسوده شود که قابل استفاده مورد نظر وقف کننده نباشد، بنا بر احتیاط مستحب چنانچه ممکن است آن را در همان محلی که برای آن وقف شده به مصرفی دیگر برسانند و در غیر این صورت آن را بفروشند و پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود واقف نزدیکتر باشد. و متصدی فروش آن متولی مسجد است و اگر متولی ندارد به حاکم شرع مراجعه شود.

**(مسئله ۵۱)** قرار دادن چیزهایی همچون فرش، وسایل چای و لوازم صوتی در جاهایی مانند مساجد، مدارس و حسینیه‌ها به دو صورت است:

الف- آن چیز را برای آنجا وقف کرده باشند، که در این صورت، فروش آن جایز نیست، مگر به طوری که در مسأله پیش گفته شد.

ب- آن چیز را به آنجا تملیک کرده باشند، که در این صورت اختیار آن با متولی موقوفه یا حاکم شرع است و هر وقت به مصلحت موقوفه باشد می‌توانند آن را به چیز دیگر تبدیل کنند و یا بفروش برسانند.

### **فروش طلا و نقره به طلا و نقره**

**(مسئله ۵۲)** اگر طلا را به طلا یا نقره را به نقره بفروشند، سکه‌دار باشد یا بدون سکه، در صورتی که وزن یکی از آنها زیاده‌تر از دیگری باشد معامله حرام و باطل است، ولی فروش طلا به نقره یا نقره به طلا در صورت زیادی وزن یکی از آنها اشکال ندارد.



**(مسئله ۵۳)** فروختن مقداری خاک نقره معدن به همان مقدار نقره خالص و یا مقداری خاک طلا معدن به همان مقدار طلای خالص محل اشکال است، زیرا در این صورت زمینه ربا وجود دارد، ولی فروختن خاک نقره به طلا و خاک طلا به نقره به هر صورت اشکال ندارد.

**(مسئله ۵۴)** صحیح بودن فروش طلا یا نقره به طلا یا نقره مشروط است به اینکه خریدار و فروشنده پیش از جدا شدن از یکدیگر جنس و عوض آن را تحویل هم بدهند و اگر هیچ مقدار از چیزی که قرار گذاشته‌اند تحویل ندهند معامله باطل است. و در صورتی که یک طرف تمام آنچه را قرار گذاشته تحویل دهد و طرف دیگر مقداری از آن را تحویل دهد و از یکدیگر جدا شوند، معامله نسبت به همان مقدار که تحویل داده شده صحیح است، ولی طرفی که تمام مال به دستش نرسیده می‌تواند معامله را به هم بزند.

**(مسئله ۵۵)** بنا بر احتیاط، حکم فروش طلا یا نقره به طلا یا نقره و لزوم تحویل آنها قبل از جدا شدن از یکدیگر در پولهای کاغذی رایج روز نیز جریان دارد، زیرا محتمل است حکم مزبور به خاطر این بوده باشد که در آن زمانها «طلا و نقره» معیار تعیین ارزش سایر کالاها بوده است و در صورت عدم تحویل هنگام معامله نوعاً زمینه اختلاف پیش می‌آمده و شارع مقدس به این ترتیب خواسته است زمینه اختلاف را از بین ببرد. و این نکته در پولهای کاغذی نیز موجود است و در این جهت اسکناس و دلار و پوند و سایر پولهای کاغذی تفاوت ندارند.

### **خرید و فروش میوه‌ها**

**(مسئله ۵۶)** فروش میوه‌ای که گل آن ریخته و دانه آن بسته است به طوری که معمولاً از آفت گذشته باشد، پیش از چیدن صحیح است، ولی در خرما بنا بر احتیاط واجب صبر کنند تا رنگ آن زرد یا قرمز شود.

**(مسئله ۵۷)** اگر بخواهند میوه‌ای را که بر درخت است پیش از آنکه از آفت گذشته باشد بفروشند، بنا بر احتیاط واجب چیزی از حاصل زمین، مانند سبزیها، و یا ضمیمه دیگری را که ارزش دارد با آن بفروشند و یا اینکه میوه بیش از یک سال را به او بفروشند.

**(مسئله ۵۸)** فروش غوره بر درخت و نیز فروش خرمایی که هنوز از درخت چیده نشده پس از زرد یا سرخ شدن اشکالی ندارد، ولی در مورد خرما نباید عوض آن را از خرمای همان درخت قرار دهند، بلکه بنا بر احتیاط عوض را غیر خرما قرار دهند.

**(مسئله ۵۹)** اگر خوشه گندم و جو را بعد از آنکه دانه بسته به چیز دیگری غیر از

گندم و جو بفروشد اشکال ندارد.

**(مسئله ۶۰)** فروش میوه‌ها یا محصولاتی که در هر سال چند بار چیده می‌شود، مانند خیار، بادنجان، سبزیجات و علوفه، چنانچه محصول آن ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که خریدار چند بار در سال آن را بچیند اشکال ندارد.

### انواع معامله

انواع معامله به شرح زیر است:

الف - نقدی:

«معامله نقدی» آن است که مدت در تحویل کالا و عوض آن شرط نشده باشد.

**(مسئله ۶۱)** اگر کالایی را نقد بفروشد خریدار و فروشنده بعد از معامله می‌توانند کالا و بهای آن را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند. و تحویل دادن خانه و زمین و مانند آن به این است که آنها را در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آنها تصرف کند و تحویل دادن فرش و لباس و کتاب و مانند اینها به این است که طوری در اختیار خریدار بگذارند که بگویند آنها را تحویل گرفته و اگر بخواهد به جای دیگر ببرد فروشنده جلوگیری نکند.

ب - نسیه:

«معامله نسیه» آن است که فروشنده، کالا را به خریدار بسپارد، ولی قرار بگذارند خریدار بهای آن را در وقت دیگر به فروشنده بدهد.

**(مسئله ۶۲)** در معامله نسیه، مدت باید کاملاً معلوم باشد، پس اگر کالایی را بفروشد که وجه آن را مثلاً هنگام برداشت محصول بگیرد، چون مدت کاملاً معلوم نیست معامله باطل است.

**(مسئله ۶۳)** در معامله نسیه، فروشنده حق ندارد پیش از پایان مدت، طلب خود را مطالبه نماید، ولی اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد، فروشنده می‌تواند پیش از تمام شدن مدت، طلب خود را از وارثان او مطالبه نماید.

**(مسئله ۶۴)** در معامله نسیه، فروشنده می‌تواند پس از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند طلب خود را از خریدار مطالبه نماید، ولی اگر خریدار نتواند پردازد باید به او مهلت دهد.

**(مسئله ۶۵)** اگر به خریداری که قیمت کالا را نمی‌داند نسیه بفروشد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است. و اگر به خریداری که قیمت نقدی کالا را می‌داند با چند درصد گرانتر نسیه بفروشد و او بپذیرد، معامله صحیح است.

**(مسأله ۶۶)** کسی که کالایی را نسیه فروخته اگر پس از گذشت مثلاً نیمی از مدت، مقداری از طلب خود را با موافقت بدهکار کم کند و بقیه را نقد دریافت نماید اشکال ندارد و معامله صحیح است.

ج - سلف:

«معامله سلف» (پیش فروش) آن است که قرار بگذارند خریدار هنگام معامله بهای کالا راپردازد و کالا را که کلی و به ذمه فروشنده است زمان معین دیگری تحویل بگیرد.

### شرایط معامله سلف

**(مسأله ۶۷)** معامله سلف هفت شرط دارد:

۱- ویژگی‌هایی را که بهای کالا به وسیله آن تغییر می‌کند معین نمایند، ولی دقت زیاد لازم نیست و همین اندازه که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده کفایت می‌کند. پس در چیزهایی که نمی‌توان ویژگی خاصی برای آن تعیین کرد و موجب فریب می‌شود معامله سلف باطل است.

۲- پیش از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند بنا بر احتیاط واجب خریدار باید همه بهای کالا را تحویل فروشنده دهد و اگر مقداری از بهای آن را پردازد، گرچه معامله در آن مقدار صحیح است، فروشنده می‌تواند تمام معامله را به هم بزند. و چنانچه خریدار از فروشنده طلبکار باشد و بخواهد پول کالا را بابت طلبش حساب نماید، اولاً باید وقت ادای طلب او رسیده باشد و ثانیاً بنا بر احتیاط واجب فروشنده پول کالا را به عهده خریدار قرار دهد و سپس خریدار با رضایت فروشنده طلبی را که از فروشنده دارد بابت پول کالایی که به ذمه او گذاشته شده حساب نماید.

۳- زمان تحویل کالا را به طور کامل معین کنند، پس اگر بگویند هنگام جمع‌آوری محصول تحویل خواهم داد، چون زمان کاملاً معلوم نشده معامله باطل است.

۴- زمانی را برای تحویل کالا معین کنند که اطمینان داشته باشند در آن زمان آن کالا نایاب نخواهد بود.

۵- بنا بر احتیاط واجب جای تحویل کالا را معین کنند، ولی اگر در خلال داد و ستد جای تحویل هم معین شود لازم نیست به آن تصریح نمایند.

۶- مقدار کالا با وزن یا پیمانانه و یا شماره تعیین شود و کالایی را هم که معمولاً با دیدن معامله می‌کنند اگر پیش فروش کنند اشکال ندارد، ولی باید مانند بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

۷- کالای فروخته شده و عوض آن، در صورتی که فروش آنها با وزن یا پیمانانه باشد، از یک جنس نباشند.

### احکام معامله سلف:

(مسئله ۶۸) اگر پولی را سلف بفروشد و عوض آن را پول بگیرد معامله باطل است اگر چه این حکم در غیر پول طلا و نقره مبنی بر احتیاط است.

(مسئله ۶۹) اگر کالایی را سلف بفروشد و در مقابل آن کالای دیگری یا پول قرار دهد معامله صحیح است، هر چند احتیاط مستحب آن است که در مقابل کالایی که سلف می فروشد پول قرار دهد نه کالای دیگر.

(مسئله ۷۰) اگر خریدار بخواهد کالایی را که سلف خریده بفروشد، مسأله چهار صورت دارد:

الف- اگر پیش از تمام شدن مدت باشد، بنا بر احتیاط واجب به هیچ کسی نمی تواند بفروشد.

ب- اگر پس از تمام شدن مدت و پیش از تحویل گرفتن کالا باشد، به خود فروشنده به هر نحو بفروشد مانعی ندارد، ولی بهتر است یا به کالای دیگر بفروشد و یا همان پولی را که داده بگیرد نه بیشتر.

ج- اگر پس از تمام شدن مدت و پیش از تحویل گرفتن کالا بخواهد آن را به دیگری بفروشد، پس اگر چیزی که سلف خریده با وزن یا پیمانانه معامله می شود به قیمتی که خریده می تواند بفروشد، ولی به قیمت زیادتر یا کمتر محل اشکال است. و اگر از چیزهایی است که بدون وزن و پیمانانه معامله می شود، مانند: زمین و پارچه و ماشین، فروختن آن هر چند به قیمت بیشتر مانعی ندارد.

د- اگر پس از تحویل گرفتن کالا بخواهد آن را بفروشد، به هر قیمتی که بخواهد می تواند بفروشد، چه با وزن و پیمانانه معامله شود یا بدون وزن یا پیمانانه.

(مسئله ۷۱) در معامله سلف، کالایی را که فروشنده معامله کرده است باید پس از تمام شدن مدت، تحویل دهد و خریدار نیز باید قبول نماید، ولی اگر کالایی را که فروشنده می دهد بهتر یا پست تر از کالایی باشد که قرار گذاشته اند، خریدار می تواند قبول نکند و اگر کالای دیگری بدهد در صورتی که خریدار راضی شود اشکال ندارد.

(مسئله ۷۲) اگر کالایی را که پیش فروش کرده هنگام تحویل نایاب شود و فروشنده نتواند آن را تهیه کند، خریدار می تواند صبر کند تا فروشنده تهیه نماید یا معامله را به هم بزند و چیزی را که داده پس بگیرد.

(مسئله ۷۳) اگر کالایی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و

پول آن را هم پس از مدتی بگیرد، معامله باطل است.

### **مواردی که می‌توان معامله را به هم زد**

حق به هم زدن معامله را «خیار» می‌گویند، و خریدار یا فروشنده در یازده مورد حق دارند معامله را به هم بزنند:

**مورد اول -** آنکه از مجلسی که معامله در آن انجام شده متفرق نشده باشند و به آن «خیار مجلس» می‌گویند.

**مورد دوم -** در صورتی که خریدار یا فروشنده در معامله زیان دیده باشد و به آن «خیار غبن» می‌گویند. در این صورت زیان دیده می‌تواند معامله را به هم بزند یا به همان قیمت راضی شود، ولی نمی‌تواند طرف معامله را وادار به پرداخت تفاوت قیمت کند، مگر اینکه طرف مقابل راضی شود.

**(مسئله ۷۴)** اگر خریدار بهای کالا را نداند و یا در اثر غفلت آن را گرانتر از بهای معمول بخرد، چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را مغبون (زیان دیده) می‌دانند و به کمی و زیادی آن اهمیت می‌دهند می‌تواند معامله را به هم بزند، همچنین اگر فروشنده در اثر جهل یا غفلت کالا را به مقداری ارزان بفروشد که مردم او را مغبون بدانند می‌تواند معامله را به هم بزند.

**مورد سوم -** خریدار و فروشنده در ضمن معامله شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان تا مدت معینی حق داشته باشد معامله را به هم بزند و به آن «خیار شرط» می‌گویند.

**(مسئله ۷۵)** در معامله بیع شرط که مثلاً کالای ده هزار تومانی را به پنج هزار تومان می‌فروشند و قرار می‌گذارند که اگر فروشنده سر مدت معین پول را برگرداند بتواند معامله را به هم بزند، چنانچه خریدار و فروشنده قصد جدی خرید و فروش را داشته باشند معامله صحیح است، هر چند فروشنده اطمینان داشته باشد که اگر سر مدت پول را پس ندهد خریدار، کالا را به او برمی‌گرداند. و اگر فروشنده، پول را نپردازد یا خریدار بمیرد، فروشنده حق ندارد کالا را از خریدار یا ورثه او پس بگیرد.

**مورد چهارم -** فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست جلوه دهد به گونه‌ای که بهای آن در نظر مردم بیشتر از بهای معمول باشد و به آن «خیار تدلیس» می‌گویند.

**(مسئله ۷۶)** اگر جنس اعلا، مثلاً جای اعلا، را با جنس پست آن مخلوط نمایند و به اسم جنس اعلا بفروشند، در صورتی که خریدار نمی‌دانسته می‌تواند معامله را به هم بزند.

**مورد پنجم -** خریدار و فروشنده در ضمن معامله انجام کاری را شرط کنند یا در ضمن معامله شرط کنند کالا دارای شرایط ویژه‌ای باشد، ولی به آن شرط عمل نکنند، که در این صورت، دیگری می‌تواند معامله را به هم بزند و به آن «خیار تخلف از شرط»

می گویند.

مورد ششم - در کالای مورد معامله یا عوض مشخص آن عیبی باشد و آن را «خیار عیب» می نامند. پس هر گاه فروشنده یا خریدار بعد از معامله متوجه آن عیب شود بدون حضور و رضایت دیگری می تواند معامله را به هم بزند.

**(مسئله ۷۷)** خیار عیب فوری نیست، هر چند احوط آن است که پس از فهمیدن

عیب در مورد به هم زدن معامله یا ساقط کردن خیار اقدام کند و آن را تأخیر نیندازد.

**(مسئله ۷۸)** اگر خریدار یا فروشنده بفهمد مال یا عوض مشخصی را که دریافت

کرده عیب دارد، چنانچه آن عیب پیش از معامله در مال یا عوض آن بوده و او نمی دانسته، می تواند معامله را به هم بزند و اگر در آن تصرف نموده می تواند تفاوت قیمت سالم و معیوب را معین نماید و از طرف پس بگیرد. و اگر معامله به عوض کلی بوده، فروشنده می تواند آن را پس دهد و عوض سالم مطالبه نماید.

**(مسئله ۷۹)** اگر بعد از معامله و پیش از تحویل دادن کالا یا عوض مشخص آن، در

یکی از آنها عیبی پیدا شود، خریدار یا فروشنده می تواند معامله را به هم بزند، ولی اگر بخواهند تفاوت قیمت بگیرند اشکال دارد، مگر اینکه هر دو طرف راضی باشند.

**(مسئله ۸۰)** در چهار صورت خریدار نمی تواند به علت وجود عیب معامله را به

هم بزند یا تفاوت قیمت بگیرد:

الف - چنانچه هنگام معامله از عیب آگاه باشد.

ب - پس از انجام معامله به عیب راضی شود.

ج - هنگام معامله بگوید اگر کالا عیبی داشته باشد پس نمی دهم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم.

د - فروشنده هنگام معامله بگوید این کالا را با هر عیبی که دارد می فروشم و خریدار هم به این معامله راضی شود، ولی اگر عیبی را معین کند و بعد معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می تواند برای عیبی که معین نشده معامله را به هم بزند یا اگر در آن تصرف کرده تفاوت قیمت بگیرد.

**(مسئله ۸۱)** در دو صورت اگر خریدار به عیب کالا آگاه شود تنها می تواند تفاوت قیمت

بگیرد و نمی تواند معامله را به هم بزند:

الف - پس از معامله در کالا تصرف کرده باشد، به گونه ای که مردم بگویند به طوری که تحویل گرفته باقی نمانده است.

ب - پس از تحویل کالا عیب دیگری در آن پدید آید، ولی اگر فقط خریدار تا مدتی حق به هم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدت عیب دیگری در کالا پیدا شود، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، می تواند معامله را به هم بزند و نیز اگر حیوان معیوبی را بخرد و پیش

از گذشتن سه روز و بدون کوتاهی خریدار عیب دیگری پیدا کند اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، می تواند معامله را به هم بزند.

**مورد هفتم** - پس از انجام معامله آشکار شود مقداری از کالا یا عوضِ مشخص آن مال دیگری بوده و صاحب آن راضی نشود، که در این صورت خریدار یا فروشنده می تواند معامله را به هم بزند و آن را «خيار تبعض صفة» می نامند.

**مورد هشتم** - فروشنده ویژگیهای کالای معینی را که خریدار ندیده به او بگوید ولی بعد معلوم شود حقیقت نداشته است، که در این صورت خریدار می تواند معامله را به هم بزند؛ همچنین اگر خریدار خصوصیات عوضِ معینی را که می دهد بگوید و بعد معلوم شود طوری که تعریف کرده نبوده است، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند. و به آن «خيار رؤیت» می گویند.

**مورد نهم** - خریدار پول کالایی را که به طور نقد خریده تا مدت رائج پردازد و فروشنده هم کالا را تحویل نداده باشد، که در این صورت، چنانچه خریدار شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر بیندازد و شرط تأخیر در تحویل کالا هم نشده باشد، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند؛ و به آن «خيار تأخیر» می گویند.

**(مسأله ۸۲)** اگر کالای مورد معامله مثل بعضی از میوه ها باشد که اگر یک روز

بماند فاسد می شود، چنانچه خریدار تا پایان آن روز پول آن را ندهد و شرط تأخیر تحویل پول یا کالا هم نشده باشد، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند.

**مورد دهم** - کالای مورد معامله حیوان باشد که در معامله حیوانات، خریدار حق دارد تا سه روز معامله را به هم بزند، گرچه شرط خیار هم نکرده باشد. به این مورد «خيار حیوان» گفته می شود.

**مورد یازدهم** - فروشنده نتواند کالایی را که فروخته تحویل دهد، مثلاً ماشینی را که فروخته به سرقت رود یا خانه ای را که فروخته ویران شود. و به این مورد «خيار تعذر تسلیم» می گویند.

### مسائل اقاله (به هم زدن معامله)

«اقاله» آن است که یک طرف معامله تقاضای به هم زدن آن را کند و طرف دیگر نیز قبول نماید، به کسی که این تقاضا را کرده «مُستقیل» و به کسی که آن را قبول نموده «مُقیل» می‌گویند.

**(مسئله ۸۳)** اقاله در هر عقد لازمی جز نکاح و ضمانت جاری است، ولی خود اقاله قابل فسخ نمی‌باشد.

**(مسئله ۸۴)** اقاله با هر لفظی و حتی با عمل دو طرف معامله صورت می‌پذیرد، ولی دو طرف باید بالغ و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار آن را انجام دهند.

**(مسئله ۸۵)** اقاله در خرید و فروش نباید به کمتر یا زیاده‌تر از کالا یا عوض آن انجام شود و باید همان کالا و عوض به فروشنده و خریدار باز گردانده شود، ولی چون پذیرفتن اقاله واجب نیست، جایز است اقاله کننده چیزی یا کاری را به نفع خود تقاضا کند و انجام اقاله را مشروط به انجام این تقاضا نماید.

**(مسئله ۸۶)** اگر بخواهند قسمتی از کالای مورد معامله را در برابر همان مقدار از بهای آن اقاله نمایند اشکال ندارد، همچنین اگر فروشنده یا خریدار متعدد باشند، اقاله در سهم هر کدام به نسبت بهای آن جایز است و رضایت شریکها لازم نیست.

**(مسئله ۸۷)** در صورتی که کالا یا عوض آن و یا هر دو تلف شوند، باز هم می‌توان معامله را اقاله نمود و عوض آنچه را تلف شده به طرف داد، همچنین دو طرف معامله یا یکی از آنان ملک خود را فروخته یا بخشیده باشد، باز می‌تواند معامله را اقاله کند و عوض آن را به طرف بدهد.

**(مسئله ۸۸)** اقاله شخص نادم، مستحب مؤکد است و از حضرت امام صادق 7 نقل شده که فرمودند: «هر بنده‌ای که معامله مسلمانی را که از خرید یا فروش پشیمان شده به هم بزند و اقاله کند، خداوند لغزش آن بنده را در روز قیامت اقاله خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

۱. وسائل الشیعة، کتاب التجارة، باب ۳ از ابواب «آداب التجارة»، حدیث ۲ و ۴.



## مسائل احتکار و قیمت گذاری

«احتکار» آن است که کالایی که شدیداً مورد نیاز مردم است به انگیزه گرانتر شدن از دسترس خرید آنان دور نگاه داشته شود، به شکلی که مردم از این ناحیه در مضیقه و سختی قرار بگیرند، خواه قصد ضرر زدن به آنان در بین باشد یا نه. احتکار در روایات زیادی مورد مذمت شدید قرار گرفته و شخص محتکر، ملعون و خطاکار و خائن و در حد قاتل شمرده شده است. مطابق بعضی از روایات، محتکر از پناه خداوند متعال خارج شده و از نعمتهای الهی محروم می‌شود.<sup>۱</sup>

**(مسئله ۸۹)** ظاهراً حرام بودن احتکار در زمان ما منحصر به گندم، جو، خرما، کشمش و روغن زیتون نیست، بلکه شامل هر نوع کالا و خدمتی است که شدیداً مورد نیاز مردم باشد و از نبود آن در مضیقه قرار گیرند. و امور ذکر شده در روایات از آن جهت است که در گذشته بیشتر آنها شدیداً مورد نیاز مردم بوده‌اند.

**(مسئله ۹۰)** اگر کالایی را به انگیزه گرانتر شدن از دسترس مردم دور نگاه دارد ولی آن کالا توسط دیگران به مردم عرضه می‌شود و به گونه‌ای نیست که آنان در مضیقه و سختی قرار گیرند، در این صورت احتکار صادق نیست.

**(مسئله ۹۱)** اگر کالایی را برای رفع نیازهای شخصی خود و خانواده‌اش از دسترس خرید مردم دور نگاه دارد و به جهت کمیاب شدن، قیمت آن گرانتر شود ظاهراً اشکال ندارد.

**(مسئله ۹۲)** تشخیص اینکه دور نگاه داشتن کالایی از دسترس خرید مردم از مصادیق احتکار است یا نه، به عهده حکومت صالح در هر زمان می‌باشد.

**(مسئله ۹۳)** حکومت صالح می‌تواند محتکر را به عرضه نمودن کالای مورد احتکار و فروش آن بدون اجحاف ملزم نماید و چنانچه محتکر از عرضه نمودن کالا امتناع نماید، حکومت صالح می‌تواند علاوه بر تعزیر عادلانه او، کالای احتکار شده را به فروش برساند و پول آن را به صاحبش بپردازد.

**(مسئله ۹۴)** حکومت صالح می‌تواند محتکر را تعزیر مالی بنماید و عنداللزوم تعزیر غیر مالی و تشخیص اینکه کدام یک مؤثرتر است با حاکم شرع جامع‌الشرایط می‌باشد.

**(مسئله ۹۵)** حکومت صالح از احتکار کالاهای ضروری جلوگیری می‌کند، ولی صاحب کالا نسبت به قیمت گذاری آن آزاد است. و شخص پیامبر (ص) از قیمت گذاری بر روی کالاهای احتکار شده ابا فرمودند و چون به آن حضرت پیشنهاد نرخ گذاری گردید در حالی که آثار ناراحتی در چهره ایشان ظاهر بود فرمودند: «این امر به دست من

۱. همان، باب ۲۷ از ابواب «آداب التجارة»، احادیث ۱، ۳، ۶، ۱۱ و ۱۳.

نیست، بلکه به دست خداست، هر زمان بخواهد قیمت را پایین آورده یا بالا می‌برد.<sup>۱</sup> و در حقیقت چگونگی عرضه و تقاضا معمولاً مشکل را حل می‌کند، ولی با این حال اگر فروشندگان تبانی کرده و در قیمت‌گذاری اجحاف نمودند، حکومت صالح به مقدار لازم جلوی اجحاف را می‌گیرد و نرخ متعادلی را که به نفع طرفین باشد تعیین می‌نماید.

---

۱. همان، باب ۳۰ از ابواب «آداب التجارة»، حدیث ۱.